



A Comparative Study of Civil Liability for Defective Information of Written Works in Law of Iran and Common Law

Received: 28/07/2020; Accepted: 19/01/2021

Seyed Ali Khazaei¹
Yusuf Khalaj²

Abstract

Nowadays, theories, new ideas and generally speaking information have a very important role in cultural, economic and political life of human beings. Most of the books and magazines consist of significant and broad information that they may be defective. In fact, they are goods that due to defective of ambiguous information, may be considered as defective and cause damage to their readers or users. In common law system, claims against authors and publishers for the defect of information of written works are examined on the basis of liability for the defect of goods. In our legal system, despite the existing ambiguities specifically in Consumers Protection Rights Act, applying the standards of the liability for defect of goods and acceptance of strict liability arising from the defects of written works can be an appropriate solution in solving the problems and disputes that have been occurred due to injuries caused to readers and other consumers of these works resulting from their defect. In Imamiyah jurisprudence, provoking some jurisprudential rules including “To whom there is benefit, there is damage to”, the liability can be imposed on authors and publishers without proving the negligence. The method of the present study is descriptive-analytic and the method of collecting materials is a library-based one.

KeyWords: Defective Information, Strict Liability, Publishers, Authors, Written Works.

1 Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University (Corresponding Author); Email: khazaei@khu.ac.ir
2 Ph. D Candidate in Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University.

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از اطلاعات معیوب آثار نوشتاری در حقوق ایران و کاسن‌لا

سیدعلی خزائی^۱
یوسف خلج^۲

تاریخ دریافت ۹۹/۰۵/۰۷ - تاریخ پذیرش ۹۹/۱۰/۳۰

چکیده

امروزه نظریات، ایده‌های جدید و بطور کلی اطلاعات، نقش بسیار مهم و حیاتی در زندگی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی انسان‌ها دارد. بسیاری از کتاب‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای حاوی اطلاعات مهم و گسترده‌ای هستند که ممکن است ناقص و یا معیوب باشند. در واقع، آثار مزبور نوعی کالا هستند که به واسطه اطلاعات ناقص یا مبهم، ممکن است معیوب به حساب آیند و موجب خسارت به خوانندگان یا کاربران آن‌ها شوند. در حقوق کاسن‌لا، دعاوی علیه نویسندگان و ناشران در اثر نقص اطلاعات آثار نوشتاری، بر اساس مسئولیت ناشی از عیب کالا مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در حقوق ما، علی‌رغم ابهامات موجود به‌ویژه در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، اعمال ضوابط مسئولیت ناشی از عیب کالا و پذیرش مسئولیت محض ناشی از عیوب آثار نوشتاری، می‌تواند راهکار مناسبی در راستای حل مشکلات و اختلافاتی باشد که در اثر زیان‌های وارد شده به خوانندگان و سایر کاربران این آثار در نتیجه نقص و عیب آن‌ها، بروز یافته‌اند. در فقه امامیه، با استناد به برخی قواعد فقهی از جمله «من له الغنم فعلیه الغرم»، می‌توان بار مسئولیت را بدون نیاز به اثبات تقصیر، بر عهده نویسندگان و ناشران قرار داد. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری مطالب، مطالعه کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: اطلاعات معیوب، مسئولیت محض، ناشران، نویسندگان، آثار نوشتاری.



۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

khazaei@khu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.



مقدمه

آثار جدید نوشتاری، اعم از کاغذی یا الکترونیکی، همیشه مورد توجه انسان‌ها و جوامع بوده است. به طور معمول، این آثار به دلیل ارائه ایده‌های جدید، با استقبال گسترده مواجه شده و اعتلای مادی و اقتصادی ایجادکنندگان آن‌ها را به همراه دارد. اطلاعات و ایده‌های ارائه شده در رسانه‌های حاوی یا مبتنی بر نوشتار مانند کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای و یا تلفن همراه و بطور کلی محصولات مشابه، ممکن است اشتباه، ناقص یا معیوب باشند؛ به نحوی که موجب ورود زیان به مصرف‌کنندگان آن‌ها گردند. این امر در حقوق کشور ما و سایر کشورها بحث مسئولیت مدنی پدیدآورندگان آثار مزبور را مطرح ساخته است.

پرسش مقاله حاضر آن است که آیا می‌توان تکلیف جبران خسارت برای نویسندگان و ناشران، در مقابل مصرف‌کنندگانی که به واسطه بکارگیری آن محصول متحمل زیان شده‌اند، برقرار نمود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، این مسئولیت بر چه مبنایی استوار است؟ در صورتی که میان خالق اثر با کاربران و یا استفاده‌کنندگان از آن، رابطه قراردادی وجود داشته باشد، مبنای مسئولیت قراردادی برای توجیه مسئولیت کفایت نموده و احراز ارکان مسئولیت نیز با دشواری خاصی روبرو نخواهد بود. اما باید توجه داشت که همواره میان نویسندگان و ناشران با کاربران و یا استفاده‌کنندگان محصولات مزبور، رابطه قراردادی وجود ندارد. لذا در این فرض، اعمال ضوابط و مقررات مربوط به مسئولیت قراردادی منتفی به نظر می‌رسد و باید به مبنای مسئولیت خارج از قرارداد رجوع نمود. لذا این سؤال مطرح می‌گردد که صرف نظر از مبنای سنتی مسئولیت مدنی مانند نظریه تقصیر که غالباً در مورد حوادث و زیان‌های جامعه صنعتی کنونی ناکارآمد است، آیا امکان اعمال مبنای جدیدتر مانند مسئولیت محض وجود دارد؟

در نظام حقوقی کامن‌لا، رویه قضایی و دکترین حقوقی پس از فراز و نشیب بسیار، آثار نوشتاری مانند کتاب را در زمره کالاهای تولید انبوه به حساب آورده و مسئولیت مدنی





پدیدآورندگان را در زمره مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا (تولید) مورد بررسی قرار می‌دهند. در حقوق ما، رویه قضایی منسجمی در این رابطه وجود ندارد. در وهله نخست، به نظر می‌رسد که علیرغم ابهامات و اختلاف نظرهای موجود راجع به مبنای برقراری مسئولیت در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، بتوان ضوابط مسئولیت در قانون مذکور را نسبت به عیوب آثار نوشتاری نیز قابل اعمال دانست؛ اگرچه فقدان مقررات صریح در قانون مذکور، ضرورت اعمال قواعد عمومی و اصول کلی مسئولیت مدنی (ضمان قهری) را به ذهن متبادر می‌نماید.

در این مقاله، ابتدا مفهوم و مصادیق عیوب متصور در آثار نوشتاری در حقوق ایران و کامن‌لا بررسی می‌گردد. پس از آن، چگونگی اعمال مسئولیت محض و مزایا و معایب برقراری آن نسبت به نویسندگان و ناشران، در نظام حقوقی کامن‌لا و حقوق ایران مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم عیوب آثار نوشتاری و مصادیق آن

عیب در لغت به معنای نقص و نقصان آمده است (معین، ۱۳۷۸: ۲۳۶۸). در اصطلاح فقهی، عیب به معنای هر چیزی است که از خلقت اصلی، زیاد یا کم باشد (نجفی، ۱۳۶۵: ۲۵۸). مفهوم عیب در اصطلاح حقوقی، با مفهوم فقهی آن منطبق است. برخی از حقوقدانان خروج شیء از مجرا و خلقت اصلی را به عیب تعبیر کرده‌اند (عبده بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۹۷). برخی دیگر اظهار نظر نموده‌اند که عیب عبارت است از وضعیتی در مورد معامله که که بر خلاف وضعیت عادی و در حال سلامت آن باشد (شهیدی، ۱۳۸۴: ۶۱). قانون مدنی ملاک تشخیص عیب را به عرف و عادت واگذار نموده و آن را وابسته به زمان و مکان دانسته است. به موجب ماده (۴۲۶) قانون مذکور، «تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌شود و بنابراین ممکن است بر حسب ازمه و امکانه مختلف شود». متأسفانه این تعریف بسیار کارآمد، در قوانین اخیرالتصویب مورد غفلت واقع شده است؛ چرا که در بند (۴) ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، عیب کالا و یا خدمات، به «زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی» تعریف شده است که «موجب کاهش ارزش





اقتصادی کالا یا خدمات» گردد. البته عیب در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ به شکل مناسب‌تری تعریف شده است. در ماده (۳) این قانون، مفهوم عیب شامل هرگونه نقص در طراحی، مونتاژ، تولید و حمل می‌باشد.

برخی حقوقدانان ما با توجه به نظام حقوقی کامن‌لا، مفهوم عیب در مسئولیت ناشی از عیب کالا را با عنایت به قسمت (ب) ماده (۲) اعلامیه سوم مسئولیت مدنی آمریکا، به طور جامع و مانع مطرح نموده و در تشریح آن عیب محصول را به سه گروه تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: (۱) عیب در مرحله طرح ساخت کالا؛ (۲) عیب در مرحله تولید یا اجرای طرح؛ (۳) عیب در تعلیم نحوه مصرف و هشدارهای ضروری برای اجتناب از بروز خطرات احتمالی (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۷۷؛ حکمت‌نیا، ۱۳۹۸: ۲۴۱). در مقاله حاضر، مفهوم عیب در چارچوب اخیر مورد نظر می‌باشد؛ چرا که به نظر می‌رسد آنچه در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان بیان شده، متکی به نظریه برخی فقیهان (انصاری، ۱۳۷۹: ۲۳۲) است که خلاقیت و نوآوری قانون مدنی را هم ندارد و به هیچ عنوان با پیچیدگی‌های صنعتی کالاها و خدمات عصر کنونی مطابق نیست. به عنوان مثال، موتور خودرو نیازمند روغن موتور است و اگر روغن هیدرولیک که برای روانکاری سیستم فرمان خودرو است، به جای آن در موتور خودرو مورد استفاده قرار گیرد، با وجود اینکه روغن هیدرولیک از نظر ارزش اقتصادی از روغن موتور گران‌تر است، ولی برای کارکرد موتور خودرو مضر و زیان‌آور است و بکارگیری آن در موتور خودرو عیب محسوب می‌شود. لذا ملاک ارزش اقتصادی، معیار چندان قابل قبولی برای شناسایی عیب محسوب نمی‌شود. بر این اساس، مفهوم عیب در مقاله حاضر، مبتنی بر تعریفی است که در قانون مدنی آمده و با تعریف آن در حقوق کامن‌لا نسبتاً تطابق دارد.

مفهوم اثر در ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ آمده است. در این ماده، به آن چه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته، «اثر» اطلاق می‌شود. با در نظر داشتن ماده مذکور، اثر نوشتاری را می‌توان به هر مکتوبی که از راه دانش یا هنر و یا ابتکار پدیدآورنده ایجاد می‌شود، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی





که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته، تعریف نمود. ماده (۲) قانون مذکور، آثار مورد حمایت را مورد شمارش قرار داده است. آثار نوشتاری، ممکن است به صورت فیزیکی مانند کتاب و رساله و یا به صورت دیجیتالی مانند برنامه‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای (ماده ۱ و ۲ قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹) باشند. از جمله آثاری که ممکن است بیشتر در دعاوی مرتبط با مسئولیت مدنی ناشی از اطلاعات معیوب آثار نوشتاری مطرح شوند، می‌توان به دستورالعمل‌های چگونگی انجام کار با کالا، کتب آشپزی، متون علمی و راهنماهای تخصصی که به صورت نرم‌افزار یا برنامه در رایانه و تلفن همراه ارائه می‌شوند، اشاره نمود. امروزه به دلیل گسترش روزافزون رایانه‌های قابل حمل و تلفن همراه، آثار نوشتاری دیجیتالی، به طور بالقوه، مسائل و دعاوی بیشتری را به وجود می‌آورند (Noah, 2011: 4). آثار نوشتاری شامل دو بخش مادی و غیرمادی (نامحسوس) هستند. بخش مادی، شکل و ظاهر اثر را شامل می‌شود که جلد و صفحه‌های مختلف اثر، از جمله آن است. منظور از بخش غیرمادی یا غیرمحسوس نیز، اطلاعات، ایده‌ها و عقایدی است که در اثر نوشتاری ارائه شده است. منظور از عیوب آثار نوشتاری در مقاله حاضر، عیوب موجود در شکل و ظاهر اثر نیست، بلکه عیوب مربوط به بخش غیرمادی یا غیرمحسوس آن است.

با توجه به مفاهیم بیان شده، منظور از عیب آثار نوشتاری، نقص، ایراد و یا اشکالی است که در اطلاعات اعم از ایده‌ها و نظریات مندرج در اثر نوشتاری موجود بوده؛ به نحوی که بکارگیری آن موجب ورود خسارات به خواننده یا کاربر گردد. تعیین ضابطه برای اطلاعات معیوب با توجه به فقدان تعریف قانونی از آن، باید از طریق عرف صورت پذیرفته و به صورت نوعی و با در نظر گرفتن مخاطبان آن اثر، در حیطه و موضوع تخصصی اثر، مدنظر قرار گیرد. بر این اساس، معیار شناسایی اثر معیوب نوشتاری در حوزه فیزیک با توجه به سایر آثار آن موضوع و با در نظر گرفتن مخاطبان آن به عمل آمده و نقص، ایراد و یا اشکال در آن، با آخرین یافته‌های علمی در آن زمینه سنجیده می‌شود (Reutiman, 2012: 198-200).





با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت منظور از اطلاعات معیوب اعم از اطلاعات ناقص، اشتباه یا غلط آثار نوشتاری آن است که در اثر نوشتاری، مطالبی وجود داشته باشد که با واقعیت منطبق نیست؛ اعم از اینکه نگارنده به عمد یا در نتیجه بی‌احتیاطی آن‌ها را بیان کرده باشد و یا محتوای نادرست، در نتیجه نقص و یا عدم وجود علم بشری، در نوشتار مزبور گنجانده شده باشد و از نظر عرف بتوان آن را معیوب دانست (Noah, 2011: 5). البته مواردی همچون اطلاعات مبهم و یا حتی عدم بیان مطالب و اطلاعات تکمیلی نیز می‌تواند، حسب مورد، عیب محسوب شود (Ausness, 2009: 661).

در نظام حقوقی کامن‌لا، مسئولیت مدنی ناشی از افترا نیز از موضوعاتی است که زیرمجموعه مسئولیت ناشی از نقص و عیب محتوا و مندرجات رسانه‌های مکتوب و یا سمعی و بصری مورد مطالعه قرار می‌گیرد (kaner, 2004: 2). افترا که می‌تواند به صورت شفاهی یا کتبی باشد و اظهارات خلاف واقعی را بیان کند و موجب لطمه به شهرت و یا آبروی دیگری گردد (شرقی، ۱۳۹۸ □ ۳۲)، در نظام حقوقی کامن‌لا دارای مقررات ویژه‌ای است. در حقوق ما، به نظر می‌رسد که مسئولیت مدنی ناشی از افتراء، با ضوابط مقرر در ماده (۸) قانون مسئولیت مدنی قابل انطباق باشد. به موجب این ماده، کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد، مسئول جبران آن است □ بر این اساس، با توجه به تعریفی که از عیوب اطلاعات ارائه شد، در حقوق ما، مسئولیت ناشی از افترا را نمی‌توان زیرمجموعه مسئولیت ناشی از نقص و عیب اطلاعات محسوب کرد.

با در نظر داشتن مفهوم ارائه شده، عیوب اطلاعات آثار نوشتاری مصادیق مختلفی خواهد داشت که جهت تبیین بیشتر موضوع، به برخی از این مصادیق اشاره می‌شود. باید توجه داشت که این مصادیق ممکن است به صورت فیزیکی و یا دیجیتالی وجود داشته باشند:

(۱) کتاب پرفروش مربوط به پرورش کودکان بدون هیچگونه هشدار، تغذیه خاص و ویژه‌ای برای نوزادان ارائه داده و مصرف مواد غذایی خاصی را پیشنهاد داده است. برخی





از مصرف کنندگان پس از مطالعه آن کتاب و تغذیه نوزادان خود با غذاهای پیشنهاد شده، به دلیل ابتلای نوزاد به بیماری، متحمل خسارت شده‌اند (Buss, 2006: 315).

۲) کتاب آشپزی، شیوه جدیدی برای پخت گوشت با ادویه‌های مخصوص توصیه نموده که این ترکیب غذایی موجب ایجاد صدمات جدی در بدن برخی اشخاص شده است (Buss, 2006: 316).

۳) کتابی راجع به شناسایی قارچ‌ها نوشته شده و یکی از قارچ‌ها را حاوی مواد مغذی خاصی معرفی نموده اما در واقع برخلاف ادعای مزبور، این نوع قارچ، سمی بوده و موجب آسیب جدی در بدن اشخاص شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

۴) کتابی راجع به تعمیرات سریع در خانه، دستورالعملی راجع به چگونگی سیم‌کشی ساختمان ارائه داده است که برخی اشخاص با بکارگیری آن دستورالعمل، دچار برق‌گرفتگی شده و چندین نفر نیز فوت شده‌اند (Noah, 2011: 6).

۵) کتاب راهنمای تعمیر اتومبیل، بکارگیری قطعات خاصی را پیشنهاد داده که با استفاده از آن قطعات، خودرو دچار آسیب جدی و در نتیجه ورود زیان گردیده است (Hoffman, 1999: 69).

۶) کتاب راهنمای مسافرت، ساحل خاصی را برای شنا امن معرفی نموده است. استفاده کنندگان از راهنمای مزبور در اثر برخورد با صخره‌ای تیز و برنده، دچار آسیب جسمی جدی شده‌اند (Lake, 1994: 23).

ذکر این نکته ضروری است که موارد یاد شده تمثیلی بوده و چه از لحاظ نوع اثر نوشتاری به عنوان وسیله موجب ضرر و چه از لحاظ نوع عیب و نقص موجود در آن، اشکال و مصادیق متعدد دیگری نیز متصور است.

گاهی با توجیه معیوب محسوب نشدن محتوای اثر، نسبت به برخی مصادیق تردید شده و یا به واسطه قابل پیش‌بینی بودن ضرر و مؤثر بودن سبب نزدیک، مسئولیت مدنی نویسنده یا پدیدآورنده منتفی اعلام شده است (Noah, 2011: 8). برای مثال، محتوای تحریک‌کننده کتاب‌های تخیلی که ممکن است مخاطب را تشویق به ارتکاب جرم یا حتی خودکشی نمایند و به طور کلی، کتاب‌هایی که انجام افعال مجرمانه را تسهیل یا ترغیب





می‌کنند، از نظر عرفی بنا بر تعریف و ضابطه تبیین شده، معیوب محسوب نمی‌شوند؛ زیرا چنین فرض می‌شود که مخاطب متعارف از خطرات و عواقب احتمالی ارتکاب افعال مندرج در این آثار مطلع است. البته تشخیص تخیلی بودن و عواقب خطرناک آن باید برای مخاطب ممکن باشد؛ در غیر این صورت احتمال ایجاد مسئولیت متنی نخواهد بود. برای مثال، پخش سریال «پنج کیلومتر تا بهشت» از شبکه ۳ سیما در سال ۱۳۹۰، منجر به وقوع حادثه گردید. در این حادثه، پسری ۱۳ ساله تحت تأثیر محتوای سریال، خود را حلق آویز کرد که در نهایت باعث مرگ او شد. در این مورد، هرچند اشخاص عادی و متعارف به اتکاء مطالب و محتوای اثر مزبور اقدام نامتعارفی انجام نمی‌دهند، اما با توجه به عام بودن مخاطبان و عدم ارائه هشدارهای لازم یا منع تماشای سریال برای سنین کم در تیتراژ آن، تحمیل مسئولیت به نویسنده فیلمنامه یا سایر دست‌اندرکاران در برابر مخاطبان خاص مانند نوجوانان، قابل دفاع است. در این پرونده که در دادسرای امور جنایی و سپس دادگاه کیفری ۲ تهران مورد رسیدگی قرار گرفت، تهیه‌کننده، مدیر شبکه و کارگردان سریال مسئول شناخته شدند و به استناد تسبیب، به پرداخت دیه محکوم گردیدند (<http://filmneveshtar.ir>؛ تاریخ مشاهده ۱۳۹۷/۱۲/۲۱). این موضوع می‌تواند در بازی‌های ویدیویی یا کامپیوتری نیز مصداق داشته باشد. برای مثال، یکی از بازی‌های مخصوص تلفن همراه به نام «نهنگ آبی» به دلیل محتوای نامناسب و تأثیر خطرناک آن برای استفاده‌کنندگان، مباحث گسترده‌ای در زمینه مسئولیت مدنی سازندگان و تولیدکنندگان آن نسبت به خسارات وارده به کاربران ایجاد نموده است (<https://www.tarafdari.com>؛ تاریخ مشاهده ۱۳۹۷/۱۱/۱۴).

به علاوه، چنین اظهارنظر شده است که آثاری که در زمینه‌های تخصصی علوم مانند کتب و مجلات پزشکی به رشته تحریر درآمده و منتشر می‌شوند، باید از حیطة اعمال مسئولیت مدنی و بالاخص مسئولیت محض خارج گردند. در واقع، اگرچه آثار مزبور ممکن است به هر دلیل، دارای ایراد یا اشتباه علمی باشند و منجر به ایراد خسارت گردند، اما از آنجا که برای مخاطبان خاص با توانایی‌های علمی نوشته و چاپ می‌شوند که امکان و توان تشخیص صحت یا نادرستی مطالب را به صورت بالفعل یا بالقوه دارند، تحمیل





مسئولیت به پدیدآورندگان آنها منتفی خواهد بود (Lamkin, 1994: 731). با این حال، به نظر می‌رسد در شرایط و اوضاع و احوال خاص و با توجه به نحوه انتشار یا مخاطبان اثر، در این موارد نیز امکان اعمال مسئولیت فراهم گردد.

۲. مبنای مسئولیت مدنی پدیدآورندگان آثار نوشتاری

در فرضی که میان کاربران و استفاده‌کنندگان با خالق و پدیدآورنده اثر نوشتاری، رابطه قراردادی وجود داشته باشد، مسئولیت احتمالی که در نتیجه نقص، ایراد و یا اشکال موجود در ایده‌ها و نظریات مندرج در اثر نوشتاری حادث می‌شود، مسئولیتی قراردادی خواهد بود. برای آن که مسئولیت قراردادی (مسئولیت حقوقی ناشی از تخلف از اجرای تعهد) محقق شود، باید اولاً یک تعهد قانونی که از قرارداد معتبر نشأت گرفته است وجود داشته باشد، ثانیاً متعهد از اجرای آن تخلف ورزیده و ثالثاً خسارتی در نتیجه این تخلف به متعهدله وارد شده باشد (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵: ۳۵). برخی از نویسندگان، رابطه سببیت میان عدم اجرای قرارداد و ورود خسارت را به شروط مذکور افزوده‌اند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۷). در این فرض، با احراز ارکان مسئولیت قراردادی، انتساب مسئولیت با دشواری خاصی روبرو نخواهد بود.

در مقابل، اگر قراردادی میان پدیدآورنده اثر با کاربر یا بهره‌بردار منعقد نشده و یا با وجود قرارداد، تخطی از آن صورت نگرفته، بلکه مسئولیت به موجب قانون پدید آمده باشد، مسئولیت خارج از قرارداد خواهد بود. در حقوق ما، قواعد مسئولیت خارج از قرارداد مانند اغلب قواعد حقوقی دیگر، آمیزه‌ای از قواعد اسلامی و قوانین اقتباس شده از حقوق خارجی است. از یک سو، نویسندگان قانون مدنی سعی کرده‌اند تا مبانی مرسوم را به لباس نو بیاریند؛ چنان که در مبحث ضمان قهری، اصطلاح‌ها و عناوین از فقه گرفته شده و به همان شیوه، غصب و اتلاف و تسبیب، اساس کار را تشکیل می‌دهد و به همین جهت، در قانون مدنی از لزوم احراز تقصیر برای تحقق مسئولیت، ذکری به میان نیامده است. از سوی دیگر، در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون مدنی که همواره بایستی به عنوان قواعد عام نگریسته شود، از یاد رفته است و بدون آن که زمینه نسخ یا





تصحیح فراهم گردد، موادی چند از کشورهای اروپایی اقتباس و به آن افزوده شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴۹). تدوین کنندگان قانون مسئولیت مدنی، تقصیر را مبنای مسئولیت دانسته و با این که علی الظاهر قصد تکمیل قانون مدنی را داشته‌اند، مباحثی جدید در این رابطه مطرح ساخته‌اند که چندان با مواد اتلاف و تسبیب سازگار به نظر نمی‌رسد. در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، زمانی که شخص عملی انجام می‌دهد که در نتیجه آن، خسارتی به دیگری وارد می‌شود، به شرط آنکه مقصر باشد، مسئول جبران خسارت وارده است. به این ترتیب، تا زمانی که تقصیر شخص ثابت نشود، او مسئولیتی برای جبران خسارت‌های مورد ادعا ندارد. برای مفهوم تقصیر، تعاریف مختلفی از جمله «تجاوز از تعهد مستقر»، «کار نامشروع قابل انتساب به مرتکب»، «تجاوز از رفتار عادی شخص خطاکار» و «انجام کاری که شخص به حکم قرارداد یا عرف، می‌بایست از آن پرهیز کند یا خودداری از انجام کاری که باید انجام دهد»، ارائه شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۶ به بعد). برخی از اساتید حقوق مدنی، عبارت جالبی به کار برده و «رفتار نمودن آن گونه که باید رفتار شود» را به تقصیر تعبیر کرده‌اند (امامی، ۱۳۶۳: ۳۹۰). در این میان، برخی حقوق‌دانان تقصیر را تجاوز از رفتاری دانسته‌اند که انسان متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۹۰). در رابطه با شخصی یا نوعی بودن ضابطه تشخیص تقصیر، دیدگاه‌های مختلفی بیان گردیده اما در حقوق ما، نظر غالب آن است که تقصیر مفهومی نوعی و اجتماعی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۹۱). دیدگاه اخیر با مفاد مواد (۹۵۱) تا (۹۵۳) قانون مدنی نیز سازگار است؛ اگرچه نویسندگان قانون مدنی به هنگام تدوین مواد یاد شده، به تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی توجهی نداشته‌اند و تعدی و تفریط را به دلیل ذکر آن در سایر مواد این قانون تعریف کرده‌اند. بدیهی است که نظریه تقصیر در مفهوم نوعی و اجتماعی، می‌تواند مبنای قابل قبولی برای توجیه مسئولیت مدنی پدیدآورندگان آثار نوشتاری به شمار آید؛ اما باید توجه داشت که در نظریه تقصیر، امکان اثبات فقدان مسئولیت وجود دارد. به عبارت دیگر، پدیدآورنده آثار نوشتاری می‌تواند با اثبات عدم تقصیر خود، از مسئولیت رهایی یابد. به دلیل محدودیت‌هایی که نظریه تقصیر با آن مواجه بود، در اواخر قرن نوزدهم میلادی، تحت تأثیر عقاید دو حقوق‌دان معروف به نام‌های





سالی^۱ و ژوسران^۲، این نظریه جایگاه اولیه خود را از دست داد و نظریات دیگری پا به عرصه وجود نهاد که وجه مشترک همه آنها، انکار نگاه درون ذاتی به مسئولیت و عدم اهمیت خصوصیات روانی و درونی واردکننده زیان است. یکی از این نظریات، مسئولیت نوعی یا محض است. آنچه در نظریه مسئولیت محض مورد توجه قرار می‌گیرد، انتساب زیان به فعالیت مسئول است نه تقصیر او (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۹۷). شخص زیان‌دیده برای مطالبه خسارت، فقط باید وقوع زیان و ارتباط آن با فعالیت خواننده دعوی را اثبات نماید (امامی، ۱۳۶۳: ۳۹۱) و در صورت اثبات این موارد، واردکننده زیان ملزم خواهد بود که تمام خسارات ناشی از فعالیت خود را بر عهده بگیرد، خواه تقصیری مرتکب شده یا نشده باشد.

مسئولیت محض، حاصل افکار فلسفی حقوقدانان در مواجهه با پیشرفت‌های دانش بشری و پیچیده شدن روابط اجتماعی است که با حذف عنصر تقصیر از مسئولیت مدنی و تأکید بر رابطه سببیت، در پی تسهیل جبران خسارت زیان‌دیده است. این نوع مسئولیت با مبانی متعدد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی توجیه می‌گردد. مسئولیت محض در ابتدا ویژه فعالیت‌های خطرناک بود، اما همگام با پیشرفت بیمه‌های مسوولیت و تامین اجتماعی که اهداف و کارکردهای مسوولیت مدنی را دگرگون نموده، گسترش یافته است.

یکی از حوزه‌هایی که نظام مبتنی بر مسئولیت محض در آن مورد پذیرش قرار گرفته، مسئولیت ناشی از عیب تولید است. در نظام حقوقی کامن‌لا، تولیدکننده‌ای که کالا را در وضعیت ناقص یا معیوب عرضه می‌کند، برای جبران زیان بدنی و یا مادی که به واسطه نقص یا عیب، بر آخرین استفاده‌کننده یا مصرف‌کننده یا اموال وی وارد می‌شود، مسئولیت محض دارد (Krauss, 2019: 270). چنین اظهارنظر شده است که مسئولیت محض در زمینه تولید، نتیجه نظامی است که به اندیشه‌های حقوقی از راه نفوذ در آراء قضایی یا قوانین پرداخته است؛ نظامی که هدف اصلی آن حمایت از مصرف‌کننده است و خطر





ناشی از محصول معیوب را بر عهده تولیدکننده می‌نهد؛ خواه سبب آن خطای طرح‌کننده یا کارگران و کارگزاران عرضه کالا باشد یا سفارش ویژه طرف قرارداد و نقص تعهد باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۶۹). بر اساس نظریه مسئولیت محض، چنانچه خواهان اثبات نماید که کالا معیوب بوده و به واسطه وجود عیب در کالا، ضرری به وی وارد شده است، دادگاه بدون توجه به تقصیر یا عدم تقصیر عامل زیان و بدون توجه به وجود یا عدم وجود رابطه قراردادی بین عامل زیان و زیان‌دیده، و همچنین عدم تأثیر علم و یا جهل تولیدکننده، حکم به جبران زیان‌های وارده خواهد داد (Kaner, 2004: 6). لازم به ذکر است که در مورد تأثیر علم و یا جهل تولیدکننده نسبت به عیب کالا و خطر احتمالی ناشی از آن، دادگاه‌ها مسئولیت محض را بدون توجه به آن جاری دانسته‌اند، هر چند که خطر قابل پیش‌بینی نباشد (Prosser, 1997: 300). در حقوق ما نیز برخی نویسندگان در مورد عدم تأثیر جهل در مسئولیت محض اظهار نظر نموده‌اند که در نظام مبتنی بر مسئولیت محض، لزومی به احراز علم مسئول و عامل فعل زیانبار نیست (یزدانیان، ۱۳۹۷: ۴۵۲). در حقیقت، اگر داشتن علم در مسئولیت محض شرط باشد، این امر در واقع همان لزوم اثبات تقصیر است؛ در حالی که در مسئولیت محض، احراز تقصیر شرط برقراری مسئولیت نیست.

۱-۲. اعمال مسئولیت محض نسبت به عیوب آثار نوشتاری در حقوق کامن‌لا

در نظام حقوقی کامن‌لا، ملاحظاتی از قبیل بهره‌مندی تولیدکننده و پدیدآورنده از منافع مادی ناشی از تولید کالا یا خدمات، اجبار صاحبان علوم و فنون به بالا بردن دقت در تولید و عرضه کالاها یا خدمات، ضرورت حمایت از زیان‌دیده به دلیل دشوار بودن اثبات تقصیر و همچنین نقش بازدارندگی نظام مبتنی بر مسئولیت محض، از جمله دلایلی است که دادگاه‌ها را نسبت به تسری اعمال مسئولیت محض به عیوب اطلاعات آثار نوشتاری مجاب می‌کند (Rauss, 2019: 148). البته در نظام حقوقی کامن‌لا، در خصوص اعمال نظام مبتنی بر مسئولیت محض نسبت به نویسندگان و ناشران در دعاوی مربوط به خسارات ناشی از عیوب آثار نوشتاری، اتفاق نظر وجود ندارد و در تطبیق شرایط لازم برای اعمال این نوع از مسئولیت، ایرادات و اشکالات متعددی مطرح گردیده است که در ذیل به اجمال مورد بررسی قرار خواهند گرفت.





ایراد اول: در حقوق ایالات متحده آمریکا چنین اظهار نظر شده است که به موجب بند (الف) ماده (۴۰۲) اعلامیه سوم مسئولیت مدنی،^۱ مسئولیت ناشی از عیب کالا صرفاً در مورد کالاهای مادی و محسوس و عیوب مربوط به آنها اعمال گردیده و اجرا می‌شود. از آنجا که آثار نوشتاری به واسطه شکل و ظاهر مادی و محسوس خود، مورد معامله قرار نمی‌گیرند، بلکه ایده‌ها و نظریات مندرج در آنهاست که انگیزه اصلی خرید و یا فروش اینگونه آثار قرار می‌گیرد، لذا نظام مبتنی بر مسئولیت محض در مورد آثار نوشتاری قابل اعمال نیست. به علاوه، معیوب بودن در حقوق، اختصاص به اموال دارد، در حالی که اطلاعات و ایده‌ها ذاتاً مال محسوب نمی‌شوند و صرفاً موجب ایجاد حق مالی می‌گردند (Neil, 2001:111). در توضیح کالا محسوب نشدن محتویات، ایده‌ها و نظریات مندرج در آثار نوشتاری، گفته شده است که هر چند آثار نوشتاری نیز شبیه بسیاری از کالاهای تولید انبوه به وسیله شرکت‌های بزرگ چاپ و نشر، انتشار می‌یابند و توسط شبکه عمده‌فروشی در سطح کشور توزیع و توسط خرده‌فروشان به فروش می‌رسند و نویسنده و ناشر در تولید کالایی که برای فروش عرضه می‌شود، دخیل هستند، اما مصرف‌کنندگان، آثار نوشتاری را مانند سایر کالاها مصرف نمی‌کنند، بلکه این آثار را برای اطلاعات و ایده‌های موجود در آنها خریداری می‌کنند. لذا نویسنده، ناشر و فروشنده، خدمات ارائه می‌کنند و نمی‌توان محصول آنها را صرفاً کالا محسوب کرد. در این خصوص، یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده آمریکا، اظهار نظر کرده است کتابی که حاوی غزلیات شکسپیر است، شامل دو قسمت می‌شود: ۱) مواد و آنچه که غزلیات در آن چاپ شده؛ ۲) ایده‌ها و اطلاعاتی که در ضمن آن بیان شده است. قسمت اول می‌تواند کالا باشد، اما قسمت دوم کالا نیست و چون منظور از کتاب، در واقع قسمت دوم آن است، لذا نمی‌توان آن را کالا محسوب کرد (Neil, 2001: 186).

در پاسخ به ایراد مذکور گفته شده است که بر خلاف استنباط و استدلال یاد شده، دادگاه‌ها مسئولیت محض را نسبت به موارد مشابه پذیرفته و اعمال کرده‌اند. برای مثال،





مسئولیت محض ارائه‌دهندگان خدمات ناوبری هواپیما نسبت به خسارات ناشی از عیوب و نقائص اطلاعاتی که توسط ارائه‌دهندگان خدمات، تولید و عرضه شده و به طور عمده در اختیار بهره‌برداران سامانه‌های خدمات ناوبری هواپیما قرار گرفته، پذیرفته شده است. در نتیجه، توجیهی برای تفکیک قائل شدن بین موارد فوق و سایر آثار وجود ندارد (Rauss, 2019: 148).

در حقوق ما، برخلاف حقوق ایالات متحده آمریکا، محدودیت انحصار عیب به کالاهای مادی و محسوس که در مقررات مربوط به مسئولیت ناشی از عیب کالا در بند (الف) ماده (۴۰۲) اعلامیه سوم مسئولیت مدنی آمده است، وجود ندارد؛ زیرا قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، هم کالا و هم خدمات را شامل می‌شود. بنابراین در صورتی که آثار نوشتاری کالا محسوب نشده و خدمات به حساب آیند، قانون مزبور باز هم شامل آن‌ها خواهد شد.

ایراد دوم: اعمال مسئولیت محض ناشی از عیب کالا در مورد پدیدآورندگان آثار نوشتاری، ممکن است موجب ایجاد واگم در بیان نظرات و ایده‌ها و در نتیجه، نقض آزادی بیان که در اعلامیه اول قانون اساسی آمریکا مورد تأکید قرار گرفته، تلقی گردد. لذا ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ضرورت رعایت اعلامیه اول قانون اساسی آمریکا و ارزش‌های مبتنی بر آن که دلالت بر آزادی بیان دارد، اعمال مسئولیت محض نسبت به پدیدآورندگان آثار نوشتاری را بر نمی‌تابد (Ausness, 2000: 665). این ایراد در حقوق ما نیز قابل طرح است؛ زیرا آزادی بیان در حقوق ما نیز به عنوان یکی از حقوق مهم مورد پذیرش قرار گرفته است. در این رابطه، اصول (۲۳) و (۲۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل استناد است. طبق بخش اخیر اصل (۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «... هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد». همچنین به موجب اصل (۲۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند...». در نتیجه، اعمال نظام مبتنی بر مسئولیت محض برای نویسندگان و ناشران، ممکن است در نگاه نخست، مخالف اصول مزبور و به عبارت دیگر، نقض آزادی بیان تلقی گردد.





در حقوق کامن‌لا، نویسندگان ایراد اخیر را چنین پاسخ داده‌اند که اعلامیه اول قانون اساسی آمریکا محدودیتی برای اعمال مسئولیت محض نسبت به نویسندگان و ناشران به واسطه اطلاعات نادرست ارائه شده، ایجاد نکرده است؛ زیرا حمایت قانون اساسی آمریکا از آزادی بیان، به معنی معصوم بودن نویسندگان و پدیدآورندگان آثار نوشتاری نیست. در این خصوص، یکی از شعب دادگاه عالی کالیفرنیا اظهار نظر نموده است که اعلامیه مزبور نمی‌خواهد ضمانت اجرای خسارات ناشی از عیوب اطلاعات را صرفاً به خاطر اینکه خسارت ناشی از آزادی بیان از طریق کلمات یا سایر آثار نوشتاری است، منتفی نماید. اگر دادگاه‌ها با هراس از به خطر افتادن آزادی بیان و عقاید، به عدم مسئولیت نویسندگان و ناشران آثار موجد خسارت حکم دهند، در واقع برای آن‌ها تقدس قائل شده‌اند، در حالی که این نگرانی‌ها کاملاً بی‌اساس است؛ زیرا هر چند ایده‌ها و نظریات قابل احترام هستند، اما این امر نباید موجب شود که توزیع تجاری اطلاعات معیوب در قالب کتاب و سایر آثار نوشتاری، از اعمال مسئولیت محض مصونیت پیدا کنند (Ausness, 2000: 667). این پاسخ در حقوق ما نیز قابل قبول به نظر می‌رسد و در برابر استناد احتمالی به اصول (۲۳) و (۲۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل ارائه است. در حقیقت، اگر عامل زیان با استناد به اصول مزبور، اعمال مسئولیت را مخالف آزادی بیان قلمداد کند و در نتیجه خود را معاف از مسئولیت بداند، در پاسخ می‌توان استدلال فوق را مطرح نمود. به عبارت دیگر، پذیرش اصل آزادی بیان، منافاتی با لزوم جبران خسارات ناشی از اطلاعات معیوب آثار نوشتاری ندارد.

ایراد سوم: در رویه قضایی، خوانندگان دعوی مسئولیت ناشی از عیب کالا، منحصر به تولیدکننده است و همه کسانی که در زنجیره تولید تا عرضه به مشتری قرار دارند را شامل نمی‌شود. برای اعمال مسئولیت مزبور نسبت به نویسندگان و ناشران، چون خوانندگان این دعوی با دعوی مسولیت ناشی از عیب کالا قابل انطباق نیست، در نتیجه دعوی علیه نویسنده یا پدیدآورنده اثر، صحیح به نظر نمی‌رسد (Neil, 2001:112).

در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت که افزودن به خوانندگان دعوی مسئولیت مدنی، اقدامی احتیاطی در راستای حمایت از زیاندیدگان و مصرف‌کنندگان است و این امر با





اصل جبران کامل خسارات زیان دیده در مسئولیت مدنی نیز منطبق خواهد بود. لذا این ایراد قابل پذیرش نیست؛ چرا که افزودن به خواندگان دعوی مسئولیت مدنی، نگرانی خاصی را ایجاد نمی‌کند و در صورت عدم احراز رابطه سببیت نسبت به برخی از خواندگان، دادگاه طبیعتاً مسئولیتی برای او برقرار نخواهد کرد.

ایراد چهارم: پذیرش مسئولیت محض برای نویسندگان و ناشران، ممکن است موجب افزایش قیمت‌های آثار نوشتاری و در نتیجه، عدم استقبال مصرف‌کنندگان و کاهش تقاضای اشخاص نسبت به این آثار گردد. از سوی دیگر، ایجاد مسئولیت برای نویسنده و ناشر، مسئولیت مالی سنگینی است که ممکن است موجب تضرر آن‌ها گردد (Neil, 2001: 114).

در پاسخ باید گفت از آنجا که بخش تولید آثار نوشتاری تفاوت چندانی با سایر بخش‌های تولید کالاهای مصرفی مانند غذا و دارو ندارد، اگر اطلاع‌رسانی به مصرف‌کنندگان یا کاربران به صورت صحیح انجام گیرد، احتمال افزایش قیمت این دسته از آثار، بسیار کم خواهد بود؛ زیرا اطلاع‌رسانی دقیق، در واقع نوعی پیشگیری به حساب می‌آید. لذا بهتر است که نویسندگان و ناشران در بررسی صحت اطلاعاتی که در آثار نوشتاری ارائه می‌کنند، مراقبت کامل را انجام دهند تا کمتر موجب ایجاد خسارت به مصرف‌کنندگان شود. این امر از افزایش احتمالی قیمت‌ها نیز جلوگیری می‌کند (Reutiman, 2012: 195).

از سوی دیگر، پذیرش مسئولیت برای نویسندگان و ناشران، موجب اجتناب از ورود زیان ناعادلانه به مصرف‌کنندگان می‌گردد؛ زیرا پدید آوردن ناشران و نویسندگان به واسطه سودی که از فروش آثار نوشتاری کسب می‌کنند، به راحتی می‌توانند هزینه‌های ناشی از عیوب اطلاعات مندرج در آن‌ها را تحمل کنند. به علاوه، امکان استفاده از بیمه مسئولیت خسارات ناشی از عیوب آثار نوشتاری، خصوصاً آثاری که احتمال بروز خسارت در بکارگیری آن‌ها وجود دارد، تحمیل مسئولیت بر نویسندگان و ناشران را عادلانه‌تر از تحمل زیان توسط زیان‌دیدگان می‌نماید.





۲-۲. مبنای مسئولیت ناشی از عیوب آثار نوشتاری در حقوق ایران و فقه امامیه

بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران، عامل توجیه‌کننده مسئولیت مدنی را تقصیر واردکننده زیان دانسته و از این رو تلاش کرده‌اند تا لباس اخلاقی بر قامت مسئولیت مدنی بپوشانند و حقوق را هر چه بیشتر به اخلاق نزدیک کنند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۲). بر اساس این دیدگاه، زمانی که یک شخص کاری را انجام می‌دهد و به خاطر آن کار، خسارتی به شخص دیگری وارد می‌شود، به شرط آنکه مقصر باشد، مسئول جبران خسارت وارد شده به شخص زیان‌دیده است. به این ترتیب، تا زمانی که ثابت نشود که انجام‌دهنده آن کار مقصر بوده، وی تکلیفی ندارد که خسارت‌های وارده به شخص زیان‌دیده را جبران کند. پس از اثبات تقصیر، عامل ورود زیان، راهی برای رفع مسئولیت از خود نخواهد داشت؛ جز آن که ثابت کند زیان موردنظر در اجرای قانون وارد آمده یا علت اصلی زیان، قوه قاهره یا عمل زیان‌دیده بوده است. به موجب این نظریه، تقصیر مبنای اساسی مسئولیت و حکم به جبران خسارت زیان‌دیده به شمار می‌رود.

در حقوق ایران، مهم‌ترین قانون مورد استناد برای نظریه تقصیر، قانون مسئولیت مدنی است. ماده (۱) قانون مزبور مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارته یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». نظریه تقصیر توسط برخی اساتید حقوق مدنی به عنوان یکی از مبانی مهم مسئولیت مدنی مطرح شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۴۴). البته باید توجه داشت که نمی‌توان تقصیر را مبنای انحصاری مسئولیت دانست؛ چرا که برای مثال، در حقوق ایران اتلاف به مباشرت ضامن‌آور است، هر چند که مرتکب خطایی نکرده باشد. بر این اساس، می‌توان اظهارنظر نمود که در حقوق ما، اصل بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر، در مفهوم عرفی و اجتماعی آن است، مگر در موارد خاص مانند اتلاف که از قلمرو نظریه تقصیر خارج شده‌اند.

به موجب ماده (۱۶) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، مسئولیت جبران خسارت وارده به مصرف‌کننده با تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده، بر عهده شخص





حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی می‌باشد که موجب ورود خسارت و اضرار به مصرف‌کننده شده است. ماده مذکور در وهله نخست این را به ذهن می‌رساند که مبنای مسئولیت در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، تقصیر است. اگرچه استفاده از عمومیت مبنای تقصیر و تسری آن به مسئولیت ناشی از عیوب آثار نوشتاری با مانعی روبرو نیست، اما باید توجه داشت که اثبات تقصیر همواره امر مشکلی بوده و از این بابت محدودیت‌هایی وجود دارد.

برخی نویسندگان با استناد به ماده (۱۸) که مقرر داشته است «چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد، متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد»، معتقدند قانون‌گذار در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، با آوردن این ماده از مبنای سنتی تقصیر فاصله گرفته است و نوعی مسئولیت بدون تقصیر را پذیرفته است (عبدی پور، ۱۳۹۰: ۲۸).

در مقابل، برخی نویسندگان عقیده دارند که ظاهر این ماده دلالت بر مسئولیت محض و بدون تقصیر ندارد؛ چرا که قانونگذار از عنوان متخلف برای عرضه‌کننده کالا و خدمات معیوب استفاده کرده است و از این ظاهر چنین بر می‌آید که باید تقصیر عرضه‌کننده به اثبات برسد. به علاوه، حکم به پرداخت جزای نقدی در انتهای ماده، تأکیدکننده مسئولیت مبتنی بر تقصیر است؛ چرا که مسئولیت کیفری بدون تحقق تقصیر کاملاً خلاف قاعده است (صفایی، ۱۳۹۲: ۳۱۳). برخی نویسندگان در تأیید این دیدگاه اظهارنظر نموده‌اند که به کارگیری واژه‌هایی نظیر «متخلف»، ذهن را بیشتر به سمت مسئولیت مبتنی بر تقصیر سوق می‌دهد (نقیبی، ۱۳۹۷: ۶۳). مبنای اظهارنظر اخیر، یکسان دانستن مفهوم «متخلف» و «مقصر» است، حال آنکه لزوماً این دو واژه مفهوم یکسان ندارند.

برخی از حقوقدانان با استناد با لزوم محسوس بودن شیء و یا کالا برای اعمال نظام مبتنی بر مسئولیت محض، اعمال این مسئولیت در مورد نویسندگان و یا ناشران را منتفی دانسته، اما اعمال مسئولیت مبتنی بر تقصیر را قابل پذیرش تلقی کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۹۵). این دیدگاه دارای ایراداتی است؛ زیرا اگر عیب موجود در شیء نامحسوس نتواند





موجب مسئولیت شود، تفاوتی بین وجود تقصیر یا عدم آن نیست. به علاوه، قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸، شامل کالاها و خدمات است و اگر آثار نوشتاری، کالا محسوب نشوند، دست کم در گروه خدمات قرار می‌گیرند و قانون مزبور بر آنها حاکم خواهد بود و حقوقدانان نیز در خصوص مبنای مسئولیت در قانون یاد شده، اعم از اینکه مبنا مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد و یا مسئولیت محض، اتفاق نظر ندارند.

در این میان، برخی نویسندگان در راستای تقویت دیدگاه عدم اعمال مسئولیت محض در قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸، به ماده (۲) این قانون استناد کرده‌اند (بادینی، ۱۳۹۵: ۵۲۴). به موجب ماده مذکور، «کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند...». بر اساس این دیدگاه، هر چند در صدر ماده فوق مسئولیت مبتنی بر تضمین سلامت کالا و خدمت برای عرضه کنندگان پذیرفته شده است، اما قید «مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات» دامنه این تعهد را با ابهام روبرو کرده است و حتی می‌توان گفت که این ماده در خصوص مبنای مسئولیت عرضه کننده کالاها و خدمات، متضمن حکم جدیدی نیست و این موضوع را به سایر قوانین، قرارداد و عرف ارجاع داده است و در حالی که این قانون به عنوان مرجع اصلی حقوق مصرف کننده باید به صراحت در این زمینه تعیین تکلیف می‌کرد (بادینی، ۱۳۹۵: ۵۲۵)، اما ماده (۲) قانون با مقید کردن مسئولیت عرضه کنندگان نسبت به صحت و سلامت کالا و خدمات به چارچوب و ضوابط قانون، عرف و قرارداد، دستاوردی جز تحصیل حاصل ندارد (بادینی، ۱۳۹۵: ۵۴۶). این استدلال نیز از جهاتی دارای ایراد است. اولاً، اگر قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ در صدد ایجاد مبنای جدیدی نبوده است، پس فلسفه تصویب آن چیست؟ ثانیاً، استناد به ماده (۲) قانون مذکور، برای اثبات لزوم احراز تقصیر کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا می‌توان گفت «مطابقت با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات» که در ماده مزبور قید شده است، مربوط به «کالا و خدمات عرضه شده» است نه واژه «مسئول». ثالثاً، کلمه «متخلف» در ماده ۱۸





قانون که صراحت بیشتری در این خصوص دارد را می‌توان به «مسئول» تعبیر نمود و نه «مقصر». بدین ترتیب، در حقوق ما، نمی‌توان با قاطعیت به عدم امکان اعمال نظام مبتنی بر مسئولیت محض راجع به عیوب آثار نوشتاری نظر داد؛ بلکه به نظر می‌رسد با توجه به دشواری اثبات تقصیر در این موضوعات، اعمال مسئولیت محض و بدون تقصیر در مورد آثار مزبور ترجیح دارد.

شایان ذکر است در نظام حقوقی ما نظریه قابلیت انتساب با نظریه مسئولیت محض قابل مقایسه و معادل‌سازی است. در حقیقت، طبق نظریه قابلیت انتساب، احراز رابطه سببیت عرفی برای انتساب زیان و الزام به جبران خسارت کفایت می‌کند و حتی لزوم اثبات تقصیر در برخی موارد مصرح قانونی نیز صرفاً در راستای احراز رابطه سببیت و قابلیت انتساب است. این نظریه عام بوده و به غیر از ضمان ید در تمامی موارد مسئولیت مدنی و ضمان قابل اجرا است (انصاری، ۱۳۹۰: ۴). برخی حقوق‌دانان به صراحت، مبنای مسئولیت در قانون مدنی را نظریه قابلیت انتساب دانسته‌اند. به موجب این دیدگاه، «اساس مباحث ضمانات در قانون مدنی ما، بر صرف انتساب اضرار به فاعل نهاده شده است، خواه عمد و بی‌احتیاطی و غفلت از او سر زده باشد، یا نه. این ضابطه دقیق‌تر از ضوابط اروپایی است و در زندگی ماشینی و پرمخاطره عصر ما متناسب‌تر است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۳۱). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اعمال مسئولیت محض یا بدون تقصیر، در حقوق ما نیز تحت عناوین دیگری نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

در فقه امامیه، فصل مشخصی به مبنای مسئولیت اختصاص نیافته بلکه این موضوع در قالب ادلّه و قواعد فقهی مطرح و توسط فقها مورد بررسی قرار گرفته است. حقوق ایران نیز که مبتنی بر حقوق اسلامی است، سیستمی ادلّه‌گراست و به همین دلیل، لازم است که از این حیث نیز به مبنای مسئولیت توجه نمود. در این شیوه، شارع یا مقنن، قواعد و احکامی را درباره مسئولیت شناسایی کرده که این قواعد را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود. دسته اول، قواعدی کلی می‌باشند که پایه‌های اصلی مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهند و دسته دوم، سایر قواعد و مقررات که در سایه قواعد کلی تحلیل و بررسی می‌شوند. قواعد کلی، اگرچه در زمره مبنای به شمار نمی‌روند، اما بسیاری از کارکردهای مبنای مسئولیت





مدنی را دارند. پاره‌ای از این قواعد کلی منصوص بوده و برخی دیگر با تحلیل قواعد جزئی تر به دست آمده است. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۷۹).

یکی از قواعد فقهی که به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد، می‌توان آن را از ادله مسئولیت تلفی کرد، قاعده تسبیب است. فقهای امامیه به طور معمول، تسبیب را ذیل عنوان اتلاف مطرح کرده‌اند؛ زیرا این عقیده وجود دارد که اتلاف و تسبیب دارای مشترکات زیادی هستند. در واقع، گاهی شخص به طور مستقیم به عمد یا غیرعمد، اقدام به اتلاف مال یا نفس دیگری می‌کند، به طوری که می‌توان حقیقتاً تلف را به او نسبت داد. این عمل، «اتلاف بالمباشره» نامیده می‌شود. اما گاهی شخص به طور غیرمستقیم و با واسطه، عمدی یا غیرعمدی، موجب تلف مال یا نفس دیگری می‌شود که از آن به «تسبیب» یاد می‌شود. تسبیب مأخوذ از سبب است. سبب حادثه‌ای است که حسب قضاوت عرف، زمینه ورود خسارت به دیگری را فراهم می‌آورد. سبب چیزی است که هنگام وجود آن، تلف به واسطه علت دیگری حادث می‌شود، به نحوی که اگر آن سبب نبود، علت تأثیری نداشت. کلمه سبب در تسبیب، به مفهوم دقیق خود به کار نرفته است؛ زیرا در اصطلاح، سبب عبارت از امری می‌باشد که از وجودش وجود و از عدمش عدم لازم آید (نجفی، ۱۳۶۸: ۵۱). این در حالی است که سبب در تسبیب الزاماً موجب خسارت نیست، بلکه عادتاً زمینه تلف را فراهم می‌سازد.

در خصوص ماهیت قاعده تسبیب، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها تسبیب را به عنوان قاعده مورد پذیرش قرار نداده و معتقدند که عنوان «سبب» یا «تسبیب» در ادله فقهی به چشم نمی‌خورد و از روایات پراکنده‌ای که راجع به مسئولیت وجود دارد، نمی‌توان قاعده‌ای کلی تحت عنوان «تسبیب» اصطیاد نمود. لذا برای احراز مسئولیت، لازم است که اتلاف به صورت حقیقی محقق گردد و در فرضی که نتوان اتلاف را محقق دانست، معیار و ضابطه اثبات مسئولیت مدنی، روایاتی خواهند بود که باید با الغای خصوصیت از آنها، لزوم جبران خسارت را به موارد مشابه تسری داد (نجفی، ۱۳۶۸: ۵۰). از آنجا که روایات در موارد و مصادیق خاص وارد شده است، تعمیم آن به موارد مشابه از طریق اجماع یا الغای خصوصیت از مصادیق مذکور در روایات، مبتنی بر عرف خواهد بود





(حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۵). اگرچه در خصوص استقلال قاعده تسبیب، میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹: ۱۴۱ و حسینی المراغی، ۱۴۱۸: ۴۳۵)، اما در این میان، برخی از فقها قاعده تسبیب را قاعده‌ای مستقل دانسته و تلاش کرده‌اند که با تعریف سبب، ضابطه و ملاکی برای قاعده تسبیب ارائه نمایند (موسوی البجنوردی، ۱۳۷۷: ۳۸). قاعده این است که اگر فعلی از سوی فاعلِ عاقلِ مختارِ آگاه صادر شده و آن فعل عادتاً سبب وقوع تلف در مال یا جان اشخاص باشد و در این میان، فعل دیگر، به نحوی که نزد عرف و عقلا تلف به او مستند شود، فاصله ایجاد نکند، فاعل سبب ضامن است.

با ملاحظه اجمالی مصادیق بروز زیان ناشی از عیوب آثار نوشتاری، در وهله نخست به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد، استناد به قاعده تسبیب یکی از مناسب‌ترین راه‌های ممکن برای اثبات مسئولیت است و این قاعده به واسطه اطلاق و عمومی که دارد، توانایی و ظرفیت لازم برای صدور حکم به جبران زیان‌های ناشی از عیوب آثار نوشتاری را دارا می‌باشد و می‌توان آن را یکی از ادله مناسب برای پذیرش مسئولیت در این رابطه دانست. با این حال، برای بررسی دقیق‌تر امکان یا عدم امکان استناد به قاعده تسبیب به منظور صدور حکم به مسئولیت، به نظر می‌رسد که باید میان دو فرض قایل به تفکیک شد. در فرضی که میان پدیدآورنده اثر نوشتاری و زیان وارده، اراده فاعل مختار آگاه فاصله انداخته است، زیان به فعل فاعل مختار آگاه اسناد می‌شود و به سبب توجه نمی‌گردد. اما در فرضی که زیان به فعل فاعل مختار آگاه اسناد نمی‌شود، این فرض در واقع به موضوع انتخاب میان سبب و مباشر و اقوی بودن سبب از مباشر و نیز مسأله غرور باز می‌گردد. به عبارت دیگر، در فرض نخست، تسبیب برقرار است اما رابطه عرفی، با همان فاعل مختار آگاه برقرار می‌گردد. اما در فرض دوم، مثلاً در جایی که فاعل مختار آگاه نباشد، سبب اقوی از مباشر تلقی شده و ضامن خواهد بود. البته در فرض اخیر، اقوی بودن سبب نسبت به مباشر، به دلیل غرور زیان‌دیده است. بنابراین به نظر می‌رسد که این فرض در نهایت به مسأله غرور باز می‌گردد و خود قاعده تسبیب به عنوان یک قاعده مستقل برای حکم به مسئولیت ناشی از عیوب آثار نوشتاری کفایت نخواهد کرد؛ مضافاً اینکه در مستقل بودن قاعده تسبیب از قاعده اتلاف میان فقهای امامیه اتفاق نظر وجود ندارد.





یکی از قواعدی که امکان استناد به آن در مورد عیوب آثار نوشتاری ممکن است، قاعده غرور می‌باشد. توضیح آنکه عیوبی که در آثار نوشتاری بر اثر نقص یا عدم وجود علم بشری موجب خسارت و زیان مصرف‌کننده می‌گردند، قابل تقسیم به دو گروه اساسی هستند. گروه نخست، عیب موجود در نتیجه نقص علم بشری و نارسایی‌هایی است که در دانش و علم موضوع اثر نوشتاری تا زمان تألیف آن وجود داشته و پدیدآورنده با تلاش متعارف نیز امکان دستیابی به مطلب صحیح و درست را نداشته باشد. گروه دوم، نقص و عیب موجود در اثر نوشتاری است که به علت کوتاهی و کم‌کاری مؤلف در جمع‌آوری و یا اعلان دستاوردهای علمی موجود از دانش مورد بحث پدید آمده باشد. در مورد گروه نخست ممکن است گفته شود برقراری مسئولیت برای نویسنده و یا ناشر به دلیل عدم تحقق شرایط برقراری مسئولیت محض، مانند معیوب بودن اثر، ممکن نیست. به علاوه، اگر مؤلف یا ناشر تلاش متعارف هم صورت می‌دادند باز هم امکان ارائه اطلاعات صحیح وجود نداشت؛ لذا تقصیر احراز نمی‌شود تا امکان اعمال مسئولیت ناشی از تقصیر فراهم گردد. اما در مورد گروه دوم، برقراری رابطه سببیت و حتی احراز تقصیر ممکن است و مسئولیت مدنی محقق می‌شود. با این حال، به نظر می‌رسد در خصوص گروه نخست نیز نمی‌توان به سادگی مسئولیت را منتفی دانست و نقص علم بشری را در واقع از علل رافع مسئولیت دانست (جعفرپور، ۱۳۹۲: ۷۳). در توجیه اعمال مسئولیت در مورد گروه نخست، برخی از نویسندگان به استناد قاعده غرور و طرفداری از این نظر فقها که علم غار (مغرورکننده) مانعی برای تحقق مسئولیت او در قبال مغرور نیست (بجنوردی، ۱۴۱۸: ۲۱۵ و المرآعی، ۱۴۱۳: ۳۰۶) و با این شرط که تبلیغات و ایجاد ظاهر فریبنده، موجب اشتیاق مصرف‌کننده برای مصرف آن شود، اعمال مسئولیت برای ارائه‌کنندگان اثر را خالی از اشکال دانسته و آنها را ملزم به جبران خسارات وارده دانسته‌اند (جعفرپور، ۱۳۹۲: ۶۵). البته باید توجه داشت که اعمال قاعده غرور طبق تفسیر و نظر برخی فقها، نیاز به علم و اطلاع غار از موضوع دارد (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۰ و طباطبایی، ۱۴۲۳: ۲۶۹)، در حالی که در بحث حاضر، ممکن است او اطلاعی از عیب و نقص موجود در محصول نداشته باشد. در اینجا، ذکر مثالی که فقها در خلال بحث از قاعده غرور به آن اشاره می‌کنند، خالی از فایده





نخواهد بود. این مثال که برگرفته از روایات نیز می‌باشد، مربوط به رابطه طیب و بیمار و در جایی است که طیب به تصور مفید بودن دارویی برای بیمار، آن را برای او تجویز می‌کند اما دارو موجب تشدید بیماری و یا مرگ بیمار می‌شود. در این فرض، اکثر فقها طیب را ضامن دانسته و جهل او را مانع از مسئولیت نمی‌دانند (لطفی، ۱۳۷۹: ۷۵). در قانون مجازات اسلامی نیز مضمون روایات مزبور در ماده (۴۹۶) و تبصره آن بیان گردیده است. در کنار ادله فقهی یاد شده در راستای احراز مسئولیت صاحبان آثار نوشتاری، به نظر می‌رسد قاعده «الخراج بالضمنان» نیز، البته با تفسیری که از آن ارائه خواهد شد، در این زمینه قابل استناد باشد. قاعده الخراج بالضمنان از قواعدی است که عیناً و با همین الفاظ از پیامبر اکرم (ص) نقل گردیده و فقهای امامیه و اهل سنت به آن اشاره و استناد نموده‌اند. لازم به ذکر است در فقه امامیه و نوشته‌های حقوقی ما، قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» که مشابه با قاعده مزبور است، بیشتر مورد استناد و توجه قرار گرفته است (خردمندی، ۱۳۹۷: ۳۰ و علوی قزوینی، ۱۳۹۳: ۷۷). البته تفاسیر و احتمالات متعددی در معنا و مجرای قاعده مزبور در فقه عامه و فقه امامیه بیان گردیده است و فقها غالباً این قاعده را در ضمن جعلی (قراردادی) و به ویژه در بحث اختیارات مورد استناد قرار داده‌اند (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۴۰). لیکن برداشت اخیر، ناشی از قرار دادن واژه «ضمنان» در جایگاه مصدری است که موجب محدود شدن کاربرد قاعده می‌گردد؛ در حالی که اگر ضمنان در معنای اسم مصدری قرار گیرد، با قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» یکسان می‌شود و شامل ضمان قراردادی و غیرقراردادی می‌گردد (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۵۹). برخی از فقهای امامیه نیز این تفسیر از قاعده مزبور را صحیح دانسته و مورد قبول قرار داده‌اند (المصطفوی، ۱۳۹۰: ۲۸۴). طبق این تفسیر، قاعده مزبور دلالت بر آن دارد که هرگاه شخصی مرتکب عملی شود و یا شرایطی را فراهم کند که همراه با خطر و ریسک است، در صورت بروز زیان، مسئول جبران خسارات وارده است. به نظر می‌رسد مطابق تفسیر ارائه شده، می‌توان مسئولیت آثار نوشتاری معیوب را با این قاعده توجیه نمود. با این تفسیر، مدلول روایت الخراج بالضمنان دلالت بر نظریه خطر دارد که صرف انتساب ضرر به فعل خواننده را بدون لزوم اثبات تقصیر، در صورت انتفاع موجب مسئولیت او می‌داند. با توجه به مراتب فوق، نظر به اینکه





پدیدآورندگان و ناشران آثار نوشتاری به واسطه عرضه اثر، منافع مالی کسب می‌کنند، در صورتی که بر اثر عیوب ناشی از این آثار خسارتی به بار آید، طبق قاعده یاد شده، می‌توان پدیدآورنده و ناشر را مسئول جبران خسارت وارده دانست؛ بدون آنکه نیازی به اثبات تقصیر آن‌ها باشد.

نتیجه‌گیری

نظام مبتنی بر مسئولیت محض ناشی از عیب کالا، مسئولیت ناشی از تقصیر و سایر معیارهای مشابه در حقوق کامن‌لا برای مسئولیت نویسندگان و ناشران در دعاوی ناشی از عیوب آثار نوشتاری استفاده شده، لیکن بررسی‌های انجام گرفته در مقاله حاضر نشان می‌دهد که مسئولیت محض مناسب‌ترین راهکار برای دنبال نمودن اینگونه دعاوی است. در حقوق ما، صرف‌نظر از ایراداتی که به قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان وارد است، با توجه به نظریه قابلیت انتساب و برخی ادله فقهی، مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت محض در مورد پدیدآورندگان و ناشران آثار نوشتاری قابل پذیرش است. برقراری مسئولیت محض برای پدیدآورندگان و ناشران آثار نوشتاری، معقول و صحیح می‌نماید؛ زیرا امروزه آثار نوشتاری همانند کالاهای تولید انبوه در سطح وسیعی انتشار می‌یابند و برقراری مسئولیت برای نویسندگان و ناشران، تأثیر چندانی در عدم گسترش و نشر اطلاعات و ایده‌های جدید نخواهد داشت. در حقوق ما در مورد مصادیقی که خسارت بصورت مستقیم و بدون واسطه باشد، خسارات و زیان‌های بدنی به استناد خطای محض، و زیانهای مالی بر اساس قاعده اتلاف، قابل تطبیق با مسئولیت محض در مورد نویسندگان و ناشران می‌باشد و در فرضی که ضرر با واسطه و غیرمستقیم است، نظریه قابلیت انتساب، به عنوان چهره دیگری از نظریه مسئولیت محض، می‌تواند قابل اعمال باشد. چنانچه نظریه قابلیت انتساب در حقوق ما قابل اعمال نباشد، وجود عیب در اثر نوشتاری، خود دلالت بر وجود تقصیر دارد و در نتیجه با احراز رابطه سببیت پذیرش مسئولیت با دشواری خاصی روبرو نخواهد بود. صرف نظر از موارد فوق، نظر به اینکه پدیدآورندگان آثار نوشتاری در ازای نشر ایده‌ها و اطلاعات مندرج در اثر، منافع





مالی کسب می کنند، در صورتی که بر اثر عمل مزبور خسارتی به بار آید، طبق قاعده «من له الغنم فعيله الغرم»، مسئولیت جبران خسارت را می توان به آنها تحمیل کرد و به استناد قواعد یاد شده، بار مسئولیت را بدون نیاز به اثبات تقصیر برعهده آنها قرار داد.

منابع

- (۱) امامی، سید حسن، ۱۳۶۳ ش، **حقوق مدنی**، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ج ۱.
- (۲) انصاری، علی، مبین، حجت، ۱۳۹۰ ش، نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی، **پژوهش های حقوق تطبیقی**، ش ۱.
- (۳) بابایی، ایرج، ۱۳۹۷ ش، **حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آراء و رویه قضایی**، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چ ۱.
- (۴) بادینی، حسن، ۱۳۸۴ ش، **فلسفه مسئولیت مدنی**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱.
- (۵) -----، ۱۳۹۵ ش، نقدی بر مبنای مسئولیت مدنی عرضه کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۵۸.
- (۶) بجنوردی، میرزا حسن، ۱۴۱۸ ق، **القواعد الفقهیه**، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ ۲، ج ۱.
- (۷) جعفرپور، جمشید، مجتهد سلیمانی، ابوالحسن، رحیمی، محمد، ۱۳۹۶ ش، **بررسی مبانی فقهی مسئولیت مدنی ناشی از نقص علم بشری، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، ش ۳.
- (۸) جعفری تبار، حسن، ۱۳۸۹ ش، **مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا**، تهران، انتشارات دادگستر، چ ۳.





- ۹) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸ ش، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران، کتابخانه گنج دانش، ج ۱.
- ۱۰) حسینی المراغی، عبدالفتاح، ۱۴۱۸ ق، **العناوین**، قم، موسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ج ۲.
- ۱۱) حکمت نیا، محمود، ۱۳۸۹ ش، **مسئولیت مدنی در فقه امامیه**، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- ۱۲) حکمت نیا، محمود، محمدی، مرتضی، واثقی، محسن، ۱۳۹۸ ش، **مسئولیت مدنی ناشی از تولید ربات های مبتنی بر هوش مصنوعی خودمختار**، قم، حقوق اسلامی، سال ۱۶.
- ۱۳) خردمندی، سعید، ۱۳۹۷ ش، مفاد قاعده الخراج بالضمنان، **دو فصلنامه علمی پژوهشی فقه مقارن**، ش ۱۱.
- ۱۴) داراب پور، مهربان، ۱۳۹۶ ش، **مسئولیت های خارج از قرارداد**، تهران، انتشارات مجد، ج ۳.
- ۱۵) ره‌پیک، حسن، ۱۳۷۶ ش، **الزامات بدون قرارداد**، تهران، مؤسسه اطلاعات، ج ۱.
- ۱۶) رهنمون، رئوف، شیخ الاسلامی، اسعد، ۱۳۹۰ ش، **حمایت از حقوق مصرف کنندگان در فقه شافعیان و امامیه، فقه و مبانی حقوق اسلامی**، ش ۳۲.
- ۱۷) سلیمی، فضا، ۱۳۹۱ ش، **مبانی مسئولیت مدنی عرضه کننده در مقابل مصرف کننده، پژوهش های حقوق تطبیقی**، ش ۴.
- ۱۸) شرقی، مرضیه، عامری، پرویز، ۱۳۹۸ ش، **مسئولیت مدنی ناشی از افتراء در نظام حقوقی کامن‌لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران، پژوهش های حقوق تطبیقی**، ش ۲.
- ۱۹) شهیدی، مهدی، ۱۳۸۴ ش، **عقود معین ۱**، تهران، انتشارات مجد، ج ۳.



- (۲۰) طباطبایی حکیم، سید محسن، ۱۴۲۳ ق، **نهج الفقاهه**، قم، انتشارات ۲۲ بهمن، چ ۱، ج ۱.
- (۲۱) عبده بروجردی، محمد، ۱۳۸۰، **حقوق مدنی**، تهران، انتشارات خرسندی، چ ۱.
- (۲۲) علوی قزوینی، سید علی، مسعودیان زاده، سید ذبیح الله، ۱۳۹۳ ش، قاعده من له الغنم فعلیه الغرم، **پژوهش نامه اندیشه‌های حقوقی**، ش ۴.
- (۲۳) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴ ش، **مسئولیت ناشی از عیب تولید**، تهران، انتشارات گنج دانش، چ ۱.
- (۲۴) -----، ۱۳۸۶ ش، **الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری): مسئولیت مدنی**، جلد اول، تهران، نشر دانشگاه تهران، چ ۶.
- (۲۵) -----، ۱۳۹۰ ش، **مسئولیت ناشی از عیب تولید**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳.
- (۲۶) کاشف الغطاء، محمد حسین، ۱۳۵۹ ق، **تحریر المجله**، مکتبه النجاح و مکتبه فیروزآبادی، ج ۳.
- (۲۷) کاظم یزدی، سید محمد، ۱۳۸۷ ق، **حاشیه مکاسب**، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ سنگی، ج ۱.
- (۲۸) کریمی، عباس، صادقی راد، الهام، تقی زاده، ابراهیم، ۱۳۹۷ ش، **تلاشی در راستای تبیین قاعده ملازمه نفع - مخاطره و جایگاه آن در ضمان قهری شرعی، مطالعات حقوقی**، دوره ۱۰، ش ۱.
- (۲۹) کریمیان راوندی، مهدی، ۱۳۸۶ ش، **مسئولیت مدنی روزنامه نگاران در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه**، تهران، نشر دادگستر، چ ۱.
- (۳۰) لطفی، اسداله، ۱۳۷۹ ش، **قاعده غرور، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، ش ۴۷.
- (۳۱) مصطفوی، سید کاظم، ۱۳۹۰ ق، **ماء القاعده الفقهی**، ترجمه عزیزالله فهیمی، تهران، نشر میزان، چ ۱.





- (۳۲) معین، محمد، ۱۳۷۸ ش، **فرهنگ معین**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- (۳۳) موسوی البجنوردی، السید میرزا حسن، ۱۳۷۷ ش، **القواعد الفقهیه**، به تحقیق مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، مؤسسه الهادی، ج ۲.
- (۳۴) نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۵ ش، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۳.
- (۳۵) -----، ۱۳۶۸ ش، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳۷.
- (۳۶) نقیبی، سید ابوالقاسم، شیروانی، خدیجه، زاهری، محدثه، ۱۳۹۷ ش، بررسی روند تکامل مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه کنندگان کالا در حقوق انگلیس تا سال ۲۰۱۵ و مقایسه آن با حقوق ایران، **دانش حقوق مالیه**، ش ۴.
- (۳۷) وحدتی شبیری، سید حسن، ۱۳۸۵ ش، **مبانی مسئولیت مدنی قراردادی (مطالعه تطبیقی در حقوق و فقه)**، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- (۳۸) یزدانیان، علیرضا، ۱۳۹۷ ش، **قواعد عمومی مسئولیت مدنی**، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چ ۲، ج ۱.

- 39) Brian H. Lamkin, (1994), **Medical Expert System and Publisher Liability**, Emory L.J.
- 40) Cem Kaner, (2004), **Liability for Defective Content**, Florida Institute of Technology. available at: [www. Kaner.com](http://www.kaner.com). last visited: 04/02/2019.
- 41) Green man V. Yuba power Products inc. (1963); **Available** at:<http://www.casebriefs.com>.
- 42) Henningson V.Bloomfield Motor inc. (1960); **Available** at:<http://www.casebriefs.com>.
- 43) Jonathan M. Hoffman, (1999), **Liability for Negligent Publishing and Broadcasting**. [www. Jestor.org](http://www.Jestor.org).
- 44) Joseph L. Reutiman, (2012), **Defective Information: Should Information Be a Product Subject to Products Liability Claims**, *Journal of Law and Public Policy*, Vol. 22, Article 5.
- 45) Kenneth.w. Clarkson, (1992), **Business Law**, South Western College, 6th Ed.



- 46) Lars Noah, (2011), **Authors**, Publishers and Products Liability, 77 Or. L. Rev, University of Florida, College of Law.
- 47) Melissa Evans Buss, (2009), **products liability and intellectual property licensors**, William Mitchell Law Review, Article 28, vol. 27.
- 48) Michael I. krauss, (2019) **Principles of Product Liabilities**, (Concise Hornbook Series), West Academic Publishing; 3th Ed.
- 49) Peter F. Lake, (1997), **Revisiting Tarasoff**, 58 ALB. L. Rev.
- 50) Rechar C. Ausness, (2000), The Application of Product Liability Principles to Publishers of Violent or Sexually Explicit Materials, University of Kentucky, **Law Faculty Publication**, 52, Fla.L.Rev.603.
- 51) Robert M, O'Neil, (2001), **The First Amendment and Civil Liability**, Indiana University Press, 1st Ed.
- 52) William L.Prosser, (1997), **Hand Book of the law of Torts**, West Publishing co, 4th Ed.

